

چرائی و اکنش غیر شرعی ماموستایان «زن، هرزگی، فاحشگی» در برابر حکم اعدام شرعی و ریشه مرادی و پخشان عزیزی از اعضای گروهک کمونیستی پژاک

زیلان و ژین رئیس مشترک پژاک به صورت رسمی اعلام کرد که "وریشه مرادی و پخشان عزیزی از اعضای این گروه سکولار کمونیست هستند که برای انجام ماموریت وارد ایران شده اند و منتظر عواقبی چون کشته شدن و اسارت نیز بوده اند، این مبارزه ای ایدئولوژیک و سیاسی است که بهای سنگینی دارد و به سخنان آيو (اوجالان) استناد می کند و پ.ک.ک را بزرگترین حزب سوسیالیست و چپ گرای جهان معرفی می کند ..."

پخشان عزیزی که با نام مستعار «پخشان روژهلات» از اعضای «کژار» بود یکی از مبلغین رسانه ای و تئوریک تفکرات کمونیستی پ.ک.ک و از محرکین و حامیان اغتشاشات «زن، هرزگی، فاحشگی» نیز به شما می رفت، و تنها یکی از اعضای ساده ی حزب کمونیستی پژاک شاخه ایرانی پ.ک.ک نبود.

این زنان مسلح گروه مسلح پژاک حین ماموریت در داخل ایران توسط نیروهای امنیتی دارالاسلام ایران دستگیر شده و بر اساس قانون شریعت الله حکم اعدام این مرتدین دستگیر شده را صادر شده است که با واکنش منفی چند ماموستای جریان «زن، هرزگی، فاحشگی» مواجه شده است! اما حکم چنین مرتدین مسلحی چیست؟

شخصی که آگاهانه، عمداً، به میل خودش و اختیاری دست از قوانین شریعت الله می کشد و قوانین و برنامه ی دیگری را انتخاب می کند و برای اجرائی شدن این قوانین کفری وارد گروه کفری مسلح می شود و به صورت مسلحانه سعی دارد این قوانین کفری را اجرا کند چنین شخصی نعوذ بالله، الله را در احکام و قوانین جاهل می داند و خودش یا سایر مخلوقات را در این مورد عالم تر، عاقل تر، حکیم تر، دلسوزتر، با تدبیرتر و مفید تر از الله دانسته است و این یعنی، شریک قائل شدن برای الله و حتی توهین به الله.

پخشان عزیزی شخص مکلفی است که آگاهانه، عمداً، به میل خودش و اختیاری تفکرات کفری کمونیستی و آتئیستی عبدالله اوجالان را به جای اسلام پذیرفته و «آشکارا» در گروهی مسلح معاند در برابر قانون شریعت الله قرار گرفت و «آشکارا» با پیوستن به حزبی مسلح معاند از جامعه ی مسلمین جدا شد و اقوال و عمل او، جز کفر «آشکارا»، قابل تأویل به چیز دیگری نیست؛ چنین شخصی بر اساس رأی تمام مذاهب اسلامی مرتدی است که: «وَشَهِدُوا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ اَنْهُمْ كَاْفِرِيْنَ»، شاهی دادند بر نفس خودشان که کافرند.

این زن، با ۱- گواهی خودش ۲- بینه های شرعی ۳- استفاضه یا شایع شدن و مشهور شدن در میان مردم، جرم ارتداد و عضویتش در گروه مسلح کمونیست و معاند پژاک ثابت شده است و در رده، چیزی به نام رده ی اصغر و رده ی اکبر وجود ندارد. رده، رده است. حالا، ممکن است مال یکی (مُعْظَمَه) تند و شدید باشد و مال یکی دیگر (مجرده) و ساده.

این شخص ضمن ارتداد، شروع به دعوت منفی و ایجاد جنگ روانی علیه اسلام و مسلمین کرده و بخشی از حزب کمونیست پ.ک.ک است که به جنگیدن با مسلمین و جلوگیری کردن از تطبیق قانون شریعت الله پرداخته و جزو «طائفة الممتعة» است.

طائفة الممتعة، یعنی مرتدینی که دارای قدرت نظامی و گروهی باشند و گروهی سازماندهی شده باشند که به صورت جماعت و حزب درآمده باشند و دارای قدرت نظامی باشند که از قانون شریعت الله سرپیچی می کنند و مانع از این می شوند که قانون شریعت الله تطبیق داده شود، حکم آنها با سایر مرتدین فرق دارد.

طائفة الممتعة، شامل تمام گروهها، جماعتها، طوایف و دولتهای مرتدی می شوند که به دلیل نیروهای نظامی، امنیتی و اجرایی که دارند «از تشکیل حکومت قانون شریعت الله ممانعت و جلوگیری می کنند» به همین دلیل به آنها «طائفة و جماعت بازدارنده و زیربار قانون شریعت نرو» می گویند که حاضر نیستند قانون شریعت الله بر آنها حکومت کند و با قدرت نظامی و بشری که دارند از اجرایی شدن قانون شریعت الله جلوگیری می کنند.

باید به محارب و فاسد بودن امثال این زن مرتد شهادت داد همچنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: " وَأَشْهَدُوا عَلَى الْمُحْسِنِ بِأَنَّهُ مُحْسِنٌ، وَعَلَى الْمُسِيءِ بِأَنَّهُ مُسِيءٌ " ^۱ شاهدهی بدهید بر انسان نیکوکار که نیکوکار است، و بر انسان بدکار هم شاهدهی بدهید که بدکار است.

هیچ شر و هیچ بدی بدتر از کفر و ارتداد وجود ندارد، و ارتداد هم جرم است، و جزو حدود است. ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: " مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ " ^۲ کسی که دینش را عوض کرد او را بکشید

مورد دیگر، زمانی که معاذ رضی الله عنه به یمن رسید و دید ابوموسی اشعری مردی را به دلیل اینکه از اسلام برگشته و مرتد شده و یهودی شده بود بسته بود، معاذ سه بار گفت: لَا أَجْلِسُ حَتَّى يُقْتَلَ، فَضَاءَ اللَّهُ وَرَسُولِهِ، فَأَمَرَ بِهِ فُقِّلَ. ^۳ یعنی: نمی نشینم تا به حکم الله و رسولش این شخص مرتد کشته شود. سه بار این را گفت، به دنبال آن فرمان داده شد و کشته شد. فَأَمَرَ بِهِ فُقِّلَ.

المغنی از منابع مهم فقهی فرق معروف به اهل سنت ذکر می کند که: وأجمع أهل العلم على وجوب قتل المرتد. و همه ی دانشمندان بر وجوب قتل مرتد اجماع دارند. ^۴ امام شافعی رحمه الله که این ماموستاها خود را به او منتسب کرده اند معتقد است که مرد و زن مرتد به دلیل شمولیت حکم قتل مرتد باید کشته شوند، ^۵ و امام نووی رحمه الله در شرح مسلم می گوید: "نزد تمام علماء غیر از ابوحنیفه، حسن و قتاده، زن هم باید مانند مرد کشته شود." ^۶

روایت هایی که در نهی از کشتن زنان وجود دارد مربوط به جنگ با کفار اصلی است که به دلیل ضعف و عدم مشارکت زنها در جنگهاست. روایت نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم هم زمانی صادر شد که در جنگ، زنی را دید که کشته شده بود و فرمود: "مَا كَانَتْ هَذِهِ لِتُقَاتِلَ" ^۷، یعنی این زن که

^۱ - رواه الطبراني والبيهقي وصححه الألباني

^۲ - رواه البخاري

^۳ رواه احمد

^۴ - محمد بن محمد الخطيب الشربيني، مغنی المحتاج الى معرفة معانى الفاظ المنهاج، قم، دار الذخائر، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۳۵

^۵ - شافعی، ابی عبدالله محمد ادریس، الام، ج ۶، ص ۱۸۱

^۶ - صححه الألباني في صحيح أبي داود (ح ۲۶۶۹)

جنگجو نبود و نباید زنی که جنگجو نیست و از لحاظ تبلیغی در جنگ شرکت ندارد کشته شود. یعنی زنی که در قتال نیست، جنگجو نیست نباید کشته شود. مَا كَانَتْ هَذِهِ لِقَاتِلٍ، یعنی علت این که رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین حرفی را زده این است که زنی که کشته شده، علت این که نهی شده کشته شوند این است که در جنگ شرکتی ندارند.

زنهایی که در اکثر کشورهای سکولار دنیا و احزابی چون حزب پ.ک.ک، کومله ها، دمکراتها، دارودسته رجوی و ... اسلحه به دست هستند یا در جنگ روانی شرکت می کنند مانند کنیزانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در فتح مکه فرمود: آن ها را بکشید حتی اگر خودشان را به پرده ی کعبه آویزان کرده باشند؛ اینها در جنگ روانی و مسلحانه با مردان فرقی ندارند و حکم آنها یکی است، چون این ها نیروی جنگی هستند و «عملاً» زمانی که ارتداد زن ساده نیست و مغلظه و شدید می شود «عملاً» فرقی بین هیچ یک از اهل قبله در مجازات زن مرتد شده وجود ندارد، و تمام اهل قبله «عملاً» در مجازات زنی که ارتداد او تبدیل به مغلظه و شدید شده باشد یک موقف دارند، همه «عملاً» یک کار را انجام می دهند بخصوص اگر این زن در طائفه ی ممتنعه یا گروههای بازدارنده از شریعت مثل همین گروههای مرتد و سکولار فعال باشد.

در این صورت، چنین زنانی که نیروهای مسلح هستند یا در جنگ فرهنگی در خدمت اسلحه و در خدمت جنگ هستند حکم ارتداد این ها فرقی با مردان ندارد و کل اهل قبله بر کشتن آن ها اتفاق دارند.

اما دلیل واکنش منفی این ماموستاها با اجماع تمام مذاهب اسلامی در مجازات این زنان مرتدی که جزو «طائفه ی ممتنعه» در آمده اند چیست؟ تنها یک دلیل تاریخی قومیتی و نژادی دارد:

طُلیحه ثُمیری، نزد مسیلمه ی کذاب می رود و از او می پرسد: تو مسیلمه ای؟ گفت: آری. پرسید: چه کسی بر تو نازل می شود؟ گفت رحمان. آنگاه پرسید: در روشنایی می آید یا در تاریکی؟، گفت: در تاریکی، طلیحه گفت: شهادت می دهم که تو دروغگویی و محمد راستگوست، اما دروغگویی ربیعه را بر راستگوی مُضر ترجیح می دهم.^۷

این همان گفتمانی است که این ماموستاها بر آن هستند و مخالفت آنها با اجرائی شدن حکم الله در مورد این مرتدین هیچ جایگاهی در فقه امام شافعی رحمه الله و سایر مذاهب اسلامی ندارد، به همین دلیل در بیانیه ی خود به فقه هیچ یک از مذاهب اسلامی و بخصوص به فقه امام شافعی رحمه الله که خود بر آن هستند اشاره نکرده اند.

^۷ - طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۴۱۸